

گفت و گو با ابوالحسن بنی صدر درباره انتخابات ایران

«این کارها توجیه تقلب بزرگ است»
ایرج ادیب زاده رادیو زمانه

انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران میان چهار گزینه‌ی شورای نگهبان برگزار شد و آقای محمود احمدی‌نژاد به عنوان برنده‌ی اصلی معرفی گردید. طرفداران او برای شادمانی به خیابان‌ها آمدند. روسیه و ونزوئلا، نخستین کشورهای بودند که انتخاب دوباره‌ی آقای محمود احمدی‌نژاد را تبریک گفتند. سه نامزد دیگر که شکست خورده‌اند و طرفداران آن‌ها، از تقلب در انتخابات می‌گویند. روز بعد از برگزاری انتخابات در ایران با خبرها و گزارش‌های بسیاری همراه شده است.

آقای ابوالحسن بنی‌صدر، نخستین رئیس جمهور ایران، در آخرین بیانیه‌ی خود که چند روز پیش از انتخابات منتشر شد، نوشته بودند: «روز بعد از انتخابات، روز روبرو شدن با واقعیت تلخ است».

از آقای بنی‌صدر می‌پرسم که دلایل این پیش‌بینی ایشان چه بود؟ اول این که این پیش‌بینی متأسفانه، درست از آب درآمد. متأسفانه، به لحاظ این که در غمی که جوانان ایران را فرا گرفته، خود را شریک می‌دانم.

اما چرا من به آن نتیجه رسیدم؟ به این دلیل که قدرت حاکم بر ایران را می‌شناسم. اگر تردیدی هم در ذهن من بود (که نبود) نامه‌ی سرگشاده‌ی آقای هاشمی رفسنجانی به آقای خامنه‌ای، این تردید را رد کرد. زیرا نامه‌ی سرگشاده، روشن و واضح می‌گفت که حامی آقای احمدی‌نژاد کسی است که در ایران فقط او رأی دارد؛ یعنی آقای خامنه‌ای.

علاوه بر این که این را گفت، یعنی به مردم ایران و مردم جهان حالی کرد که حامی آقای احمدی‌نژاد، آقای رهبر مطلق است، مطلب دیگری را هم حالی کرد و آن این که این آقا قصد دارد تحت‌الحمایه و سوگلی خود را از صندوق بیرون بیاورد. واکنش آقای خامنه‌ای هم به ایشان، یک تودهنی بود، یعنی این کار خواهد شد.

اما، دلیل دیگری هم داشتم و آن این که وقتی که یک فکر جمعی جبار

ساخته شد، طوری که جمهور مردم را فرا گرفت که اگر این کار بشود، شب تاریک ایران روز می‌شود و نه خرد جمعی که یک هیجان جمعی راهبر شد، برای کسانی که قدرت را در دست دارند، فرصت ایجاد می‌کند که ثقل بزرگ بکنند و کردند.

دلیل سوم من این بود که از نامزدها، هیچ‌کدامشان آدم سالمی نبودند. این‌ها همه در این رژیم کار کردند، در مناظره‌ها هم به هم نسبت‌هایی را که می‌دانید، دادند. هیچ‌کدام هم تکذیب نکردند. سر کم و زیاد دعوا کردند که کدام بیشتر خرابی ایجاد کرده‌اند. نتیجه این که این آدم‌ها کسانی نیستند که اگر قلبی شد، مثل نامزدهای گرجستان یا اوکراین، بیایند بایستند و مردم را هم به مقاومت دعوت کنند.

دلیل چهارم هم این که آقای خامنه‌ای به کسی می‌ماند که به او گفته باشند: بهتر است شما آقای احمدی‌نژاد را رها کنید، به لحاظ این که در آینده نظام را به خطر می‌اندازد. او می‌گوید که قدرت فعلی را تا چهار سال دیگر اعمال می‌کنم. چهار سال بعد هم فکر بعد را می‌کنیم. این هم یادش بود که همین آقای هاشمی رفسنجانی و آقای موسوی، مدت هشت سال او را هیچ و پوچ کرده بودند و کنار گذاشته بودند. او فرصتی به دست آورده بود که تلافی کند و مزاحم را هم بردارد.

این دلایل مرا به این نتیجه رساند که روز بعد از رأی‌گیری، روز آن‌هایی است که مردم را به تحریم انتخابات خواندند. به این معنا که: نه به ولایت مطلقه‌ی فقیه، آری به ولایت جمهور مردم و روز مردم است، چه آن‌هایی که رفتند رأی دادند و چه آن‌هایی که نرفتند رأی بدهند و می‌خواهند که ولایت جمهور و حاکمیت به مردم بازگردد. به نظر من، این‌ها پیروز این انتخابات هستند و زمان مال آن‌ها است.

آقای بنی‌صدر، در تازه‌ترین بیانیه‌ای که امروز با نام «روز بعد از انتخابات» منتشر کردید، به جوان‌های ایرانی اشاره کردید که شب‌های بسیاری، ایران را به سرزمین شادی بدل کردند و حالا به سرزمینی دیگر». منظورتان از این جوانان چه کسانی هستند؟

همه‌ی آنانی که در خود توانایی بیرون ریختن و کوچ‌ها و خیابان‌ها را از آن خود کردن (که از آن خود مردم هم هست) یافتند و شب‌های متوالی با شعارهای شفاف، خواست‌های خود را اظهار کردند. آزادی می‌خواهند، استبداد و دیکتاتوری نمی‌خواهند و از وضعیتی که کشورشان در آن هست و ماتم‌کده شده است، بیزارند. می‌خواهند کشوری داشته باشند که سرزمین آزادی، شادی و امید است.

هم‌اکنون، آن‌ها با این تقلب بزرگ و به کلی، بی‌سابقه، مواجه شده‌اند. چه روشی باید در پیش بگیرند؟ آیا باید خود را به یأس بسپارند؟ نه! آیا باید خود را به عصیانیت و خشونت بسپارند؟ نه! باید بدانند که پیروزند، به لحاظ این که حالا متوجه شده‌اند که یک ملتی نباید خود را معطل این کند که بین چیز و ناچیز انتخاب کند و در درون رژیم وسیله‌ای کار یک دسته، علیه دسته‌ای دیگر بشود. باید بایستد، بگوید، این حاکمیت مال من است. این جنبش همگانی می‌خواهد. همین‌طور که آمدند بیرون، پس حالا می‌دانند که می‌توانند بیایند بیرون. برای این که این بیرون آمدن موفق شود، باید همه بیرون بیایند. همان‌گونه که در انقلاب شد. این راه و روشی است که جامعه‌ای جوان باید در پیش بگیرد. وگرنه، اگر بخواهد خدای ناکرده خود را به یأس بسپارد و کارپذیری، این روزگار سیاه دراز خواهد شد.

مقداری به انتخابات دیروز برمی‌گردیم؛ در بیانیه‌ای شورای نگهبان اعلام شده بود که هشتاد و دو درصد واجدین شرایط در این انتخابات شرکت کرده‌اند. این رقم، یعنی از زمان انتخابات آقای خاتمی هم بالاتر است.

دیروز، خبرهایی هم داشتیم که در برخی از حوزه‌ها، تعرفه‌ای رأی وجود نداشت، ساعت رأی‌گیری را هم با وجود حضور مردم در حوزه‌ها، تمدید نکردند. ارزیابی شما چیست؟

وقتی وزارت کشور اعلام کرد که پنج میلیون آرا را که حدود بیست درصد کل آرا را شامل می‌شد، خوانده است و نتایج آن را برشمرد، بنا بر آن ارزیابی وزارت کشور، بیست و پنج میلیون در سراسر ایران رأی می‌دادند. بنا بر اطلاعاتی که من از ایران گرفتم، میزان تعداد آرا نمی‌توانسته بیشتر از بیست و پنج میلیون باشد.

حساب آن هم روش است؛ اگر فرض کنیم در چهل و شش هزار صندوق، در هر دو دقیقه، یک رأی به صندوق انداخته شده باشد، و از هشت صبح تا نه شب، بلاانقطاع رأی‌گیری شده باشد، جمع کل آن بیست و پنج میلیون رأی می‌شود.

آن‌ها اگر می‌خواستند جمعیت بیشتری در رأی دادن شرکت کند، باید صندوق‌ها را بیشتر می‌کردند. این کار را نکردند، چون فرض‌شان این بود که نگذارند مشارکت زیاد شود. می‌ترسیدند مشارکت زیاد سبب پیروزی مخالف آقای احمدی‌نژاد بشود.

چون این آقایان خود به ناصواب تبلیغ کردند که هجوم به صندوق‌ها چنین و چنان بوده و تمام روز تکرار کردند، آن‌ها هم فرصت را غنیمت شمردند، فاصله‌ای بیست و پنج میلیون با رقمی که بعد پیدا شد

(سی و شش میلیون)، تقلبی است که به نام آقای احمدی‌نژاد انجام شده است. برو برگرد هم ندارد.

امروز خبر رسید که شورای نگهبان دستور توقف ادامه‌ی خواندن آرا را داده است. این می‌تواند جریان تازه‌ای را ایجاد کند؟ بعد از وقوع، دستور دادن، سخن بی‌معنی است. به لحاظ این که تا نیم ساعت پیش، تمام آرای سراسر کشور خوانده شده بود آرای شمیران و شهرری مانده بود. این دو منطقه را گفته متوقف کنند؟ خُب، این خنده‌دار است! بازی با آرای مردم است. توجیه قلب بزرگ است. شورای نگهبان، مگر نگهبان نیست؟ از ابتدا باید نگهبانی می‌فرمود که این قلب بزرگ انجام نمی‌گرفت.

خانم زهرا رهنورد در گفت‌گو با بی‌بی‌سی گفته است که نسبت آرای آقای موسوی به آقای احمدی‌نژاد، چهار به یک بوده و نمی‌دانند این قلب بزرگ چگونه انجام شده است. در پاسخ به این سوال که آقای موسوی چه خواهد کرد، می‌گوید: «فراموش نکنید که ایشان خود را خارج از نظام نمی‌دانند، درون نظام می‌دانند».

فاجعه هم همین است. نامزدها کسانی هستند که خود را در درون رژیم می‌دانند. بنابراین، مردم ایران باید خود به سرنوشت خویش بیاندیشند، برای این که این‌ها خود را نه در درون مردم که در درون رژیم می‌دانند.